

تأثیر متقابل دانشگاه ها و مراکز علمی-فناوری بر یکدیگر

ویدا رستمی^{۱*}، مهدی محمودی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، اصفهان، vida.rostamii@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه هنر اصفهان، m-mahmoudi@aui.ac.ir

چکیده

با برجسته شدن نقش مراکز علم و فناوری در توسعه اقتصادی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و افزایش تعداد آن ها در دو دهه اخیر به عنوان یکی از اجزای نظام ملی نوآوری و نقش مؤثر آن ها در خلق ارزش و توسعه نوآوری و کمک به تقویت زنجیره ایده تا بازار در اقتصادهای دانش بنیان، بسیاری از کشورهای در حال توسعه طی دو دهه اخیر تلاش فراوانی کرده اند که در این حوزه سرمایه گذاری کنند و برخی از آن ها موفقیت های قابل توجهی کسب کرده اند. هدف این مقاله پاسخ به این پرسش است که دانشگاه ها و مراکز فناوری و علمی چه تاثیری بر یکدیگر و در نهایت چه تاثیری بر اقتصاد جوامع خواهند داشت. برای دستیابی به پاسخ این پرسش از روش بررسی وضعیت دانشگاه های کشورهای مختلف با مراکز علمی- فناوری و مقایسه آن ها استفاده کرده ایم و در نهایت به این نتیجه رسیده ایم که مراکز علمی- فناوری را می توان پاسخی به نیاز دانشگاهیان کارآفرین و مراکز فنی و حرفه ای به حساب آورد. و هدف اصلی آن افزایش ثروت جامعه از طریق تشویق و ارتقاء فرهنگ نوآوری و افزایش توان رقابت در میان شرکت ها و مؤسساتی است که متکی بر علم و دانش فعالیت می کنند.

واژه های کلیدی: دانشگاه ها، بنگاه ها، مراکز علمی- فناوری، نظام آموزشی، اقتصاد دانش بنیان

۱- مقدمه

رابطه بین دانشگاه ها با مراکز فناوری نامعلوم و تعریف نشده است و این مقاله به دنبال باز تعریف این رابطه است. پارک های علم و فناوری به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی و حلقه ای از زنجیره توسعه اقتصادی با هدف افزایش نوآوری فناورانه، توسعه اقتصادی و اشتغال زایی متخصصان و صاحب نظران اندیشه به وجود آمده اند. در راستای دستیابی به اهداف توسعه کشور، نقش دانشگاه ها و مراکز پژوهشی در ایجاد نهادهای اجتماعی که در تعامل با اینگونه مراکز هستند، بسیار اثرگذار می باشد [۱].

رشد و توسعه اقتصادی یکی از اهداف مهم تمام کشورها است، ولی با اهداف مختلف در کشورهای در حال توسعه یا پیشرفته صنعتی؛ که در کشورهای پیشرفته صنعتی به معنای کاهش بیکاری و افزایش واقعی رفاه اجتماعی مردم بکار می رود و در کشورهای در حال توسعه از یک سو به معنای کاهش یا محو فقر و محرومیت و از سوی دیگر به معنای کوشش برای بالا بردن تولید ناخالص ملی و ارتقای استانداردهای زندگی مردم به سطحی است که کشورهای توسعه یافته از آن بهره مند هستند. نقش آموزش به عنوان وسیله ای برای رشد و توسعه اقتصادی، در طول زمان کاملاً متفاوت است. به زبان ساده تر، گسترش آموزش رسمی که در سطوح و انواع مختلف دسته بندی می شود، ممکن است در برخی مراحل جریان رشد، اساسی ترین کار باشد، در حالی که در مراحل دیگری ممکن است به دلیل اولویت هدف های دیگر با اهمیت کمتری تلقی شود [۲].